



شماره ثبت: ۳۱۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	روایت نهم.....
۲	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۳	روایت دهم.....
۴	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۴	راههای توثیق و قاعده اجلا.....
۵	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۵	معانی تولی.....
۶	روایت یازدهم.....
۶	بررسی روایت از لحاظ سندی.....
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۷	روایت دوازدهم.....
۷	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۷	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....



تولی من قبل الجائر

تا امروز ادله تولی من قبل الجائر را ذکر کردیم. ۸ روایت را مطرح کردیم. در مورد طلب الرياسة مباحث دیگری نیز وجود دارد. در مجموع این هشت روایت، روایاتی وجود داشت که سنداً و دلالتاً تام بودند. روایات بعدی را ذکر می‌کنیم:

روایت نهم

«مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ ثَقَلًا مِنْ كِتَابِ مَسَائِلِ الرِّجَالِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ عِيسَى كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنِ الْعَمَلِ لِبَنِي الْعَبَّاسِ - وَ أَخَذَ مَا يَتِمَكَّنُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ هَلْ فِيهِ رُخْصَةٌ فَقَالَ مَا كَانَ الْمَدْخُلُ فِيهِ بِالْجَبْرِ وَالْقَهْرِ فَاللَّهُ قَابِلُ الْعُذْرِ وَ مَا خَلَا ذَلِكَ فَمَكْرُوهٌ وَ لَا مَحَالَةَ قَلِيلُهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهِ وَ مَا يَكْفُرُ بِهِ مَا يَلْزَمُهُ فِيهِ مَنْ يَرْزُقُهُ وَ يُسَبِّبُ عَلَى يَدَيْهِ مَا يَسُرُّكَ فِينَا وَ فِي مَوَالِينَا قَالَ (فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ) فِي جَوَابِ ذَلِكَ أَعْلَمُهُ أَنَّ مَذْهَبِي فِي الدُّخُولِ فِي أَمْرِهِمْ وَ جُودُ السَّبِيلِ إِلَى إِدْخَالِ الْمَكْرُوهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَ انْبِسَاطِ الْيَدِ فِي التَّشَفِّيِ مِنْهُمْ بِشَيْءٍ أَنْ نَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِمْ فَأَجَابَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَلَيْسَ مَدْخُلُهُ فِي الْعَمَلِ حَرَامًا بَلْ أَجْرًا وَ ثَوَابًا.»^۱

محمد بن علی بن عیسی نامه‌ای به امام هادی (ع) نوشتند و سؤال کردند کسی عامل بنی عباس بشود و اموالی از آن‌ها دریافت بکند؟ حضرت (ع) فرمودند: در جایی که ورود در دستگاه آن‌ها با اجبار و قهر باشد، خداوند عذر را می‌پذیرد و اما غیر از آن پسندیده نیست. در ادامه می‌گوید: نظر من در ورود به دستگاه آن‌ها این است که بروم و ضربه‌ای به آن‌ها بزنم و انتقامی بگیرم و خدمتی به موالیان شما بکنم. حضرت (ع) می‌فرمایند: اگر کسی این چنین کند، این برعکس است و ثواب و اجر دارد.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت نامعتبر است. سابق در مورد این گونه روایات بحث شده است. این روایت از کتاب مسائل الرجال ذکر شده است که خود این کتاب مشکلاتی دارد.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۰.



شماره ثبت: ۳۱۷۸

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در روایت «مکروه» آمده است. در اینجا دو احتمال وجود دارد، بعضی می‌گویند «کره» همان مرجوحیت را می‌رساند، و بعضی می‌گویند این همان استعمال مستحدث است و اگر در روایات مکروهیت باشد، معنای حرام بودن را می‌دهد. اکثر علما، همین اصطلاح دوم را قبول دارند. البته جای مفهوم‌شناسی واژه در اینجا وجود دارد. اگر فقط «مَا خِلَا ذَلِكَ فَمَكْرُوهٌ» وجود داشت، دو احتمال داشت و می‌گفتیم که اظهر است که دلالت بر حرمت کند. اما در اینجا قراین دیگری وجود دارد. در قبل می‌گوید در جایی که اجبار و اکراه باشد خداوند عذر را می‌پذیرد. یعنی خداوند در اینجا عذر را نمی‌پذیرد. اینجا قرینه تقابل است. قرینه تقابل ما کان مدخل و ما خلی ذلک افاده می‌کند که مکروه، همان حرمت است. در ادامه نیز می‌گوید: «لَا مَحَالَةَ قَلِيلُهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهِ». این به این معنا است که این یک حرام مؤکد است. در اینجا می‌گوید که اگر عذر در حدی است که کارمند معمولی بشود، مورد قبول نیست. در نتیجه باید بگوییم که اصل کار مشکل دارد و تأکد حرمتی در آن وجود دارد. در نتیجه از لحاظ دلالت، تام است.

این روایت استثنائاتی را نیز می‌گوید که بعدها در استثنای تولی من قبل الجائر بحث می‌کنیم.

روایت دهم

«عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الشَّيْعَةِ - يَدْخُلُونَ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ يَعْمَلُونَ لَهُمْ وَيُحِبُّونَ لَهُمْ وَيُؤَالُونَهُمْ قَالَ لَيْسَ هُمْ مِنَ الشَّيْعَةِ - وَ لَكِنَّهُمْ مِنْ أَوْلِيكَ ثُمَّ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ هَذِهِ الْآيَةَ لَعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ - عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ - إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ قَالَ الْخَنَازِيرُ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ - وَ الْقَرَدَةُ عَلَى لِسَانِ عِيسَى كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ - قَالَ كَانُوا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الْخَنَزِيرِ وَ يَشْرَبُونَ الْخُمُورَ وَ يَأْتُونَ النِّسَاءَ أَيَّامَ حَيْضَتِهِنَّ ثُمَّ احْتَجَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤَالِينَ لِلْكَفَّارِ فَقَالَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤَالِيَ الْمُؤْمِنُ الْكَافِرَ إِلَّا عِنْدَ التَّقِيَّةِ.»^۱

^۱ - همان، ص ۱۹۱.



شماره ثبت: ۳۱۷۸

این روایت مفصلی است. در این روایت می‌گوید: گروهی از شیعیان هستند که وارد دستگاه ظلم می‌شوند و نوعی دوستی بین آن‌ها برقرار است. حضرت می‌فرماید: این‌ها شیعه نیستند. کلمه شیعه نیز زیاد کاربرد ندارد و اینجا معدود جاهایی است که کلمه شیعه را به کار برده است. در ادامه حضرت آیه‌ای را می‌خوانند و در آخر حدیث آیه‌ی ۸۰ و ۸۱ سوره‌ی مائده را می‌خواند.

آیات متعددی وجود دارد که تولی من قبل الجائر را تحریم کرده است. البته ممکن است «یتولون» را به معنای عام دوستی بگیریم که قطعاً بحث ما را شامل می‌شود و ممکن است آن را به معنی فراتر از دوستی بگیریم که باز نیز این بحث را شامل می‌شود.

بررسی روایت از لحاظ سند

شخصی که در این سند مورد اشکال است مسعدة بن صدقة است. علی بن ابراهیم از اجلای بزرگان است. هارون نیز توثیق دارد. پدر علی بن ابراهیم را نیز مکرر بحث کردیم و بهترین طریق توثیق ایشان نیز این است که بگوییم: ایشان از رجال مشهور نام‌آوری است که در شأن او، هیچ قدحی وارد نشده است. مرحوم تبریزی (ره) نیز این امر را پذیرفته‌اند.

راه‌های توثیق و قاعده اجلا

قاعده‌ای اجلا یعنی اگر شخصیت‌هایی نام‌آور و مشهور باشند و قدحی درباره‌ی او وارد نشده باشد، به او می‌توانیم اعتماد کنیم. پدر علی بن ابراهیم چند راه توثیق دارد:

۱. از طریق کامل الزیارات

۲. تفسیر علی بن ابراهیم

۳. یک راه دیگر این است که علی بن ابراهیم چون زیاد از ایشان نقل کرده است باعث توثیق وی می‌شود.

هیچ‌کدام از این دلالات تام نیستند. راه تصحیح پدر ابراهیم همان قاعده اجلائی است که ذکر کردیم.

اما مسعدة بن صدقة روایات کلیدی دارند ولی توثیق خاص ندارند. ایشان شخصیت بزرگی بودند و روایات متعددی دارند. راه‌های مذکور نیز در مورد ایشان صادق است.

هارون بن مسلم اکثراً از ایشان نقل کرده است، و از راه سوم بخواهیم توثیق ایشان را ثابت کنیم که این تام نیست. دو طریق دیگر نیز تام نیستند. ممکن است در اینجا نیز بگوییم قاعده اجلا، جاری است. در مورد ایشان قدحی گفته نشده است.



شماره ثبت: ۳۱۷۸

در نتیجه اگر قاعده اجلا را بپذیریم، این دو نفر وثوق پیدا می کنند. این قاعده در مورد پدر علی بن ابراهیم بیشتر وضوح دارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت نکات زیادی وجود دارد:

۱. در روایت به صراحت می گوید کسی که این کار را بکند از شیعه نیست. از طرفی تمسک به آیاتی می کند که دلالت بر حرمت دارند. از این رو این روایت بسیار خوب دلالت بر حرمت دارد. این روایت را اگر معتبر بدانیم، دلالت بر کبائر می کند.

۲. نکته بعدی این است که این موضوع را مصداقی از تولی کفار قرار می دهد.

۳. نکته بعد این است که در این روایت به آیاتی تمسک شده است که وعده‌ی عذاب می دهد.

۴. نکته‌ی بعد هم این است که در این روایت تمسک به آیاتی شده است که تولی کفار را مطرح کرده است. گویا امام (ع) با تعبیر خودشان، محدوده تفسیر کفار در آیه را بسط می دهند. حضرت در اینجا نیز می خواهند بفرمایند کسانی که حق خلافت را غصب کرده اند، حکم کفار را دارند. در نتیجه تمام آیاتی که تولی کفار را مورد مذمت قرار می دهد به ظالمان غاصب نیز سرایت پیدا می کند.

معانی تولی

۵. تولی که در آیات آمده است، چند معنا دارد: ۱. مطلق دوست بودن با آنها است. ۲. معنای دوم این است که دوستی که آثار عملی بر آن مترتب بشود. ۳. معنای سوم تولی، دوستی است که نوعی قیومیت از آن کفار باشد. یعنی یک نوع ولایتی کفار بر مسلم داشته باشند. ۴. مسئولیت پذیری از کفار

فرض اکمل تولی این است که فردی در دستگاه جائر برود و مسئولیتی را قبول کند. ممکن است تولی همین باشد یا اینکه معناهای عام‌تری دارد که این مسئولیت‌پذیری را می گیرد.



شماره ثبت: ۳۱۷۸

روایت یازدهم

«مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْكَشِّيُّ فِي كِتَابِ الرِّجَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُلُوبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع مَا ذُبَّانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ غَابَ عَنْهَا رِعَاؤُهَا بِأَضَرِّ فِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنْ حُبِّ الرِّئَاسَةِ ثُمَّ قَالَ لَكِنْ صَفْوَانٌ لَا يُحِبُّ الرِّئَاسَةَ.»^۱

ما محدود روایتی داریم که در کتب حدیثی نیامده است ولی در کتب رجالی آمده‌اند. رجال کشی از این قسم است. در رجال کشی، روایاتی آمده است که دارای مضامین بلندی است.

رجال کشی که دست ما است معتبر است زیرا شیخ این را نقل کرده است.

گله‌ای که چوپانش را از دست می‌دهد و گرگ‌های درنده به جان او می‌افتند، چه وضعی دارد؟ حضرت می‌فرمایند که حب ریاست و ریاست‌طلبی مؤمن از آن گرگی که به جان گله‌ی بی چوپان می‌افتد بدتر است. در ادامه می‌فرماید: اما صفوان (که از رجال مشهور است) از انسان‌هایی نیست که اهل ریاست‌طلبی باشد.

تمام مباحثی که در طلب الریاسة گفتیم در اینجا نیز جاری است.

بررسی روایت از لحاظ سندی

این روایت از لحاظ سند معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

گاهی طلب الریاسة ناظر به ریاست‌خواهی از حکام جور است، در این صورت با بحث ما منطبق می‌شود، اما احتمال قوی‌تر در این روایت این است ریاست‌طلبی کار بدی است با قطع نظر از اینکه تولی از کیست؟ چون احتمال دوم اظهر است، با بحث ما مرتبط نیست.

^۱ - همان.



شماره ثبت: ۳۱۷۸

روایت دوازدهم

«مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ الْعَيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع مَا تَقُولُ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَقَالَ يَا سُلَيْمَانُ الدُّخُولُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَالْعَوْنُ لَهُمْ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ عَدِيلُ الْكُفْرِ وَالنَّظَرُ إِلَيْهِمْ عَلَى الْعَمْدِ مِنَ الْكِبَائِرِ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا النَّارُ.»^۱

سلیمان به امام رضا (ع) فرمود که حکومت این‌ها را بپذیریم چگونه است؟ حضرت (ع) فرمودند: نگاه به این‌ها از کبائر است. منظور از نگاه همان رفت‌وآمد است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت سند ندارد. تمام روایات تفسیر عیاشی، مقطوعه است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

یکی از سؤال‌هایی که از حضرت امام رضا (ع) می‌شد این بود که چرا شما می‌گویید تولی حرام است ولی خودتان قبول کردید. حضرت ادله‌ی خودشان را بیان می‌کنند.

جمع‌بندی

اصل تولی من قبل الجائر قابل قبول است و از کبائر است. فقط بعضی از روایات وجود دارد که به شکلی با این بحث تعارض دارند.

^۱ - همان، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.